



۲۰۱۱/۰۴/۲۸



عارف عباسی

ماجرای حرفوی

که باده قدرت طلبی او را بی خود ساخته اندر خیال تغییر نظام است!

آقای احمد ضیاء مسعود برادر خورد احمد شاه مسعود آمر جبهه مقاومت پنجشیر، بعد از فراغ مکتب استقلال شامل



اکادمی پولی تخنیک کابل شده در سال سوم ترک تحصیل نموده با برادرش در جبهه مقاومت پنجشیر سرپرستی منطقه پریان را عهده دار بود و در سال ۱۹۸۱ از طرف برادر در پشاور به حیث نماینده حزب جمعیت اسلامی و شاخه شورای نظام معرفی گردید که در آن مقام و محل زمینه برایش مساعد گردید که با رهبران تنظیم ها معرفت حاصل نموده و تماس های مستقیم با دیپلمات های خارجی مقیم پاکستان برقرار سازد و سفر هایی به ممالک دیگر داشته باشد.

در زمان حکومت پل باغ عمومی چار راهی ملک اصغر برهان الدین ربانی به حیث مشاور ارشد و نماینده خاص دولت! اسلامی افغانستان عزه تقرر حاصل نمود.

گرچه در سوانح آقای مسعود نوشته شده که در زمان تسلط طالبان بر افغانستان و فرار امرای تنظیمی احمد ضیاء مسعود با جبهه مقاومت علیه طالب کنار برادرش ایستاد ولی اسناد نشان می دهد که این معلومات غلط بوده احمد ضیاء مسعود در تاجکستان دکان کفش فروشی داشت.

شایستگی، قدرت و برازندگی های آقای ضیاء مسعود از دو سرچشمه آب می خورد، یکی که برادر احمد شاه مسعود بود و دیگری که افتخار دامادی رهبر حزب جمعیت اسلامی مرحوم برهان الدین ربانی را داشت. گرچه بعد از به قتل رسیدن احمد شاه مسعود هیأت رهبری شورای نظام و آمر و معاونین و کدر رهبری آن تا حال معلوم نیست ولی این شورای بی سرپرست به حیث شاخه قوی حزب جمعیت اسلامی با قدرت قوی سیاسی، اقتصادی و نظامی موجود و فعال است.

آقای احمد ضیاء مسعود با داشتن دو پایه زور آور به حیث یک پر قوی شامل صحنه بازی سیاسی افغانستان شد. چون مسئولیت دولت سازی State Building در افغانستان را امریکا به عهده گرفت و قدرت های بلند دولتی بین حلقات وابسته به امریکا تفویض و قرعه به نام شورای نظام برآمده وزارت های خارجه، داخله و دفاع به این شورا سپرده شد و ضیاء مسعود به حیث وارث احمد شاه مسعود و داماد ربانی در دسمبر سال ۲۰۰۱ از طرف حامد کرزی در حکومت مؤقت به حیث سفیر افغانستان در ماسکو به دربار ولادمیر پوتین مقرر گردید و بعداً به حیث نماینده سیاسی غیر مقیم افغانستان در ارمنستان، بیلروس و مالدوفا از امور واری می نمود.

در ۲۶ جولای سال ۲۰۰۴ در انتخابات ریاست جمهوری به عوض قسیم فهیم به حیث معاون رئیس جمهور از طرف کرزی انتخاب گردید.

چون حکومت داری صالح، با قانون مندی و جواب گویی از خواسته های بنیان گذاران نظام و کمک رسانان بود و شایستگی تحقق این آرمان را در کفایت و اهلیت جناب ضیاء مسعود دیدند و دفتری تحت اداره ایشان با یک تخصیصیه مالی معتنا به برای بهبود و اصلاحات امور اداری ایجاد گردید تا با وضع لوایح، مقررات و اصول نامه ها انتصابات و مقرری ها بر اساس اصل شایسته سالاری، اهلیت، کفایت تجربه و فهم مسلکی صورت گیرد و امور دفتر داری با بازنگری در مراحل غیر ضروری سهل و آسان شده به پیشرفت کارها مدد برساند و موانع غیر ضروری مرزایی های قدیمه فسخ شود. این توقع همان مثل عامیانه را به یاد آورد که (طلب بچه کاکل زری از زن بیوه) بود.

متأسفانه در عمل اصلاحات و بهبود در صف خیال پردازی ها شامل شد و امور اداری به عوض اصلاحات روانه خندق کثیف و آلوده فساد بی سابقه گردیده در اجراءات از اصلاح، بهبود، جواب گویی، نظارت، تفتیش و مراقبت اثر و خبری نبود، اصلاً در هیچ موردی مقرراتی وجود نداشت و اگر احیاناً وجود داشت در تطبیق آن احساس مسؤولیت و مکلفیت نبود. قدرت سیاسی یک آمر و وابستگی اش به یک مرجع قدرت بالاتر عامل اساسی تصمیم گیری اش در تقرر اشخاص و امضای قرارداد ها بود. برای ارتشاه و سوء استفاده زمینه واره دار مساعد گردید.

ریاست مستقل مبارزه با فساد اداری را جرئت آن نبود که به درب قدرت سالاران و وابستگان متنفذین سیاسی و منطقوی حلقات دور کرزی و دوستان و وابستگان آقای ضیاء مسعود دق الباب نمایند چه رسد به بازخواست و پرسان.

اصلاحات اداری ضیاء مسعود درب مقرری های اعضای شورای نظار را در ساحة ملکی و نظامی چنین چهار پلاق باز نمود که در تقرر از اهلیت، لیاقت، کفایت و سوابق مقرراتی نبود و هم چنان در ترفیعات هیچ نوع معیار و ایجاباتی وجود نداشت بریدگی (خورد ضابط) دگروال شد و تورن، تورن جنرال و جگرن دگر جنرال و قوماندان های جهادی حزب جمعیت و شورای نظار بدون تحصیلات نظامی ستر جنرال و مارشال شدند. در ساحة ملکی ملای مسجد بازارک رئیس شد و فارغ التحصیل مکتب ابو حنیفه وزیر و معین و این رسم شوم ضد ترقی و انکشاف مملکت منحصر به شورای نظار و حزب جمعیت اسلامی نمانده برای بسته کردن دگران برای اقوام، مناطق و احزاب دیگر هم به فیصدی کمتر چنین امتیازات داده شد.

از برکت اصلاحات اداری ضیاء مسعود چوکی های پر درآمد به حراج گذاشته شد و وزراء در پست های بلند اقارب نا اهل و بی کفایت خود را مقرر نمودند.

از بدو مرحله آقای ضیاء مسعود سر مخالفت و عدم همکاری با کرزی گرفت و در هیچ موردی توافق نظر نشان نداده خود را تابع دساتیر مقام ریاست جمهوری ندانسته مستقلانه عمل کرده اصلاً منافع ملی و خدمت به مردم مطرح نبود و مشاورین بیشمار دور احمد ضیاء مسعود حلقه زده بود. در ختم کار آقای ضیاء مسعود راپوری به مردم نداد که دست آورد فعالیت های شان در امور اصلاحات اداری چه بود. و با نفوذی که در ولسی جرگه داشت از وی استیضاح بعمل نیامد که نتیجه مصرف این ملیون ها دالر چه بود؟

درماه جنوری سال ۲۰۱۲ ضیاء مسعود، رشید دوستم، حاجی محمد محقق و امراالله صالح در برلین با نمایندگان کانگرس امریکا دیدن نموده به بهانه طرح تعویض نظام ریاستی به سیستم پارلمانی و عدم مرکزیت و استقلال بخشیدن به مناطق توطئه تجزیه افغانستان ریختند و مخالفت خود را با مذاکرات صلح با طالبان طی اعلامیه نشر نمودند. این

گردهمایی و تصامیم آن با عکس العمل جدی و شدید اکثریت چیز فهم و ملی گرای افغانستان مواجه شده جامه عمل نبوشید.

احمد ضیاء مسعود که مدت زیاد بالای زمین نمناک سیاسی نشسته بود خارش جاه طلبی و قدرت خواهی آرامش نگذاشت و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ بحیث معاون خلمی رسول برگزیده شد ولی با نهای شدن انتخابات و باقی ماندن دو نامزد آقای احمد ضیاء مسعود طلوع بخت خویش را در ایستادن کنار داکتر اشرف غنی دیده و با او همکار شده پهلوی او ایستاد و با یاران دره بی خود گسست و حتی از برادرش احمد ولی فاصله گرفته در قیام تهدید آمیز حامیان عبدالله سهم نگرفت و به نفع اشرف غنی مبارزه کرده در بیانات خود عبدالله و پیروانش را مورد انتقاد قرار داد به نفع اشرف غنی مبارزه نمود و در اوائل اشرف غنی وی را در مقام عالی ریاست اجراییه در نظر داشت ولی پا در میانی «جان کری» و تقسیم قدرت بین غنی و عبدالله در چوکات حکومت وحدت ملی احمد ضیاء مسعود به حیث مشاور ارشد اشرف غنی گماشته شده با تعداد زیاد مشاورین در قصر ریاست جمهوری برایش دفتری ایجاد و بازهم وظیفه نظارت و مدیریت اصلاحات اداری به وی سپرده شد. قرار اطلاعات دست داشته آقای مسعود یک مشاور گریز پا بوده دفتر نمی آمد و اگر می آمد بعد از ساعتی ترک دفتر نموده مصروف دید و بازدید و مجالس بوده برای تخریب حکومت وحدت ملی فعالیت نموده به مسئولیت سپرده شده اش توجه نداشته جزئی ترین دست آوردی نداشت با تمام مصارف و معاشات و غیره از بی صلاحیت بودن شاکی بود و بالاخره مخالفت او با غنی و عبدالله شکل علنی را گرفته و در محضر عام از طرز اداره و ناکامی شان در دولت داری انتقاد می کرد و او خواهان استعفی اشرف غنی و عبدالله و انحلال حکومت وحدت ملی شده پیشنهاد ایجاد حکومت مؤقت را نمود. که خشم اشرف غنی را برانگیخته با موافقت عبدالله طی فرمانی او را معزول ساخت که ضیاء مسعود تصور آن را نمی کرد. اول سر عذر پیش گرفت که کارگر نیفتاد و سپس تهدید به قیام نمود.

احساسات، غرور، خودخواهی و قدرت طلبی تعقل خرد سیاسی را از وی ربوده بود و اصلاً بالای امکانات عملی به وجود آمدن حکومت مؤقت بطور عقلانی نه اندیشیده بود.

• آیا آقای احمد ضیاء مسعود در موقفی بود که یک قیام مردمی را رهبری نموده «بهار افغان» را بیاورد و با نیروی ملی و فشار سیاسی توده ها که ملیون نفری عقب ضیاء مسعود ایستاده شود حکومت را مجبور به استعفی نماید.

• از لحاظ قانونی مرجعی که صلاحیت برکناری رئیس جمهور دارد شورای ملی است که شرائط آن در ماده شصت و نهم فصل سوم «رئیس جمهور» توضیح گردیده.

• اگر دو سرمدار حکومت وحدت ملی به اثر هیبت احمد ضیاء مسعود استعفی نمایند:

- ۱- طرح آقای مسعود برای حکومت مؤقت چیست؟
- ۲- اعضای حکومت مؤقت شامل چگونه اشخاص بوده و چگونه تعیین می گردند؟ و لایحه وظایف و صلاحیت های حکومت مؤقت را کدام مرجع تعیین می کند؟
- ۳- رهبر حکومت مؤقت چگونه انتخاب و یا تعیین می گردد؟
- ۴- در صورت از بین رفتن حکومت وحدت ملی! پارلمان باشد یا برود؟
- ۵- چگونه و به چه اساس حکومت مؤقت به یک حکومت انتخابی تبدیل می گردد؟
- ۶- قانون اساسی فعلی مدار اعتبار باقی می ماند و یا فسخ می شود؟

۷- روابط بین المللی حکومت مؤقت چگونه تنظیم می گردد. آیا حکومت مؤقت توسط خانواده بین المللی به رسمیت شناخته شده کمک های نظامی و بشری ادامه می یابد؟

۸- آیا اردو و قوای امنیتی از حکومت مؤقت متابعت می کنند و یا:
الف - با مخالفین مسلح می پیوندند.

ب - قطعات نظامی به داره های دزدان تبدیل شده و به تاراج دارایی عامه مبادرت می ورزند و یا سپاه هر قوم به دور جنگ سالاران حرفوی حلقه می زنند؟

و ده ها سؤال دیگر که آیا مورد توجه آقای ضیاء مسعود و همفکران شان قرار گرفته؟

آیا آقای مسعود و دیگرانی که خود را نمایندگان مردم و رهبران قومی تخیل می کنند گاهی خود را در ترازوی قضاوت مردم وزن نموده اند؟ و نمی دانند که مردم بعد از تجارب مخصوصاً پانزده سال اخیر با تمام رنج های کشیده از دست این دولت مردانی که توسط قدرت بیگانه برای شان تحمیل شده با موجودیت مطبوعات آزاد و صدها تلویزیون، رادیو و مجلات، جراید، روزنامه ها توسعه معارف هنوز هم در تاریکی بوده حقایق را درک نکرده اند و نمی دانند که ملیارد ها دالر کمک خارجی توسط گروه معدود به سرقت رفته نادر دیروز ثروتمند بی حساب امروز شده اند و زور آوران چگونه شرائط زندگی را بر عوام الناس ضیق ساخته شرف، عزت و مال و ناموس خود را در خطر دیده شب و روز را در هراس و دلهره می گذرانند و چگونه فساد گسترده درب داد خواهی و بازخواست را به روی شان بست.

گمان نمی برم که به خواست ضیاء مسعود ملیون نفری حتی از محل خودش عقبش ایستاده شود.

پس این قماش غره به کدام قدرت اند و یا این جنونی است که مقامات بلند دولتی برای شان آفریده هریک خود را در مقام روحانیت و تقدس می بینند.

دور از امکان نیست که خود شان حالی را بیافرینند که خود را در معرض طغیان خشم مردم قرار بدهند حتی مردم مناطق خود شان گریبان شان را بگیرد.

آقای ضیاء مسعود، رشید دوستم، عطای نور، سیاف، خاندان حاجی قدیر، امیر اسماعیل خان، حاجی محمد محقق، کریم خلیلی، صلاح الدین ربانی، حامد کرزی و خاندان، قانونی، برادران قسیم فهیم و ده های دیگر بیشتر از این برای منافع شخصی خود با سرنوشت این مملکت بازی نکنید، دیگر بس تان است قدرت همین! ثروت همین! هر چرخه که نظام را بدهید در واقعیت قبر خود را می کنید. تحقق آرمان به قدرت رسیدن دوباره تنظیمی ها خواب است و خیال و محال، بگذارید که نسل نوی تبارز نموده کمر خدمت مردم ببندند و بیشتر از این مانع خوش بختی، رفاه و آسایش این ملت افکار و پریشان نشوید. گمان نمی رود با به راه انداختن کودتایی بربادی و نابودی خود را فراهم آورند.

پایان سانه غم باری که پایان ندارد